

انواع نوشته

اهداف کلی

- ۱- شناختن انواع نوشته‌ها.
- ۲- شناختن زبان معیار در نوشته‌ها.
- ۳- شناختن زبان محاوره، در نوشته‌ها.

اهداف جزئی

- ۱- دانش‌آموز تقسیم بندی نوشته‌ها به اعتبار گونه‌های زبان را بیان کند.
- ۲- انواع نوشته‌ها را به اعتبار طرز بیان تشخیص دهد.
- ۳- نوشته‌ها را به اعتبار قالب محتوا و موضوع تشخیص دهد.
- ۴- ویژگی‌های نوشته‌ی معیار را بیان کند.
- ۵- مهمترین ویژگی‌های زبان محاوره را بیان کند.
- ۶- نوشته‌های ادبی را از دیگر نوشته‌ها تشخیص دهد.

منابع

- زبان و نگارش - دکتر حسن احمدی گیوی - دکتر اسماعیل حاکمی - نشر سمت - تهران ۷۳.
- ادب و نگارش - دکتر حسن احمدی گیوی - نشر قطره - تهران ۷۴.
- آیین نگارش - احمد سمیعی (گیلانی) - مرکز نشر دانشگاهی هفتم - ۷۷.
- کتاب کار نگارش و انشاء (۱ و ۲) - دکتر حسن ذوالفقاری - اساطیر - ۷۷.
- نگارش و ویرایش - احمد سمیعی (گیلانی) - سمت - تهران ۷۹.
- راهنمای نگارش و ویرایش - دکتر محمد جعفر یاحقی، دکتر محمد مهدی ناصح - نشر آستان قدس رضوی ۱۳۷۳.

روش‌های تدریس پیشنهادی

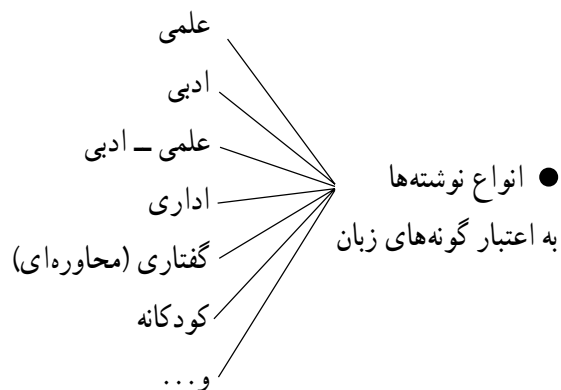
- روش بحث گروهی
- روش پرسش و پاسخ
- روش همیاری

نکات اساسی درس پنجم

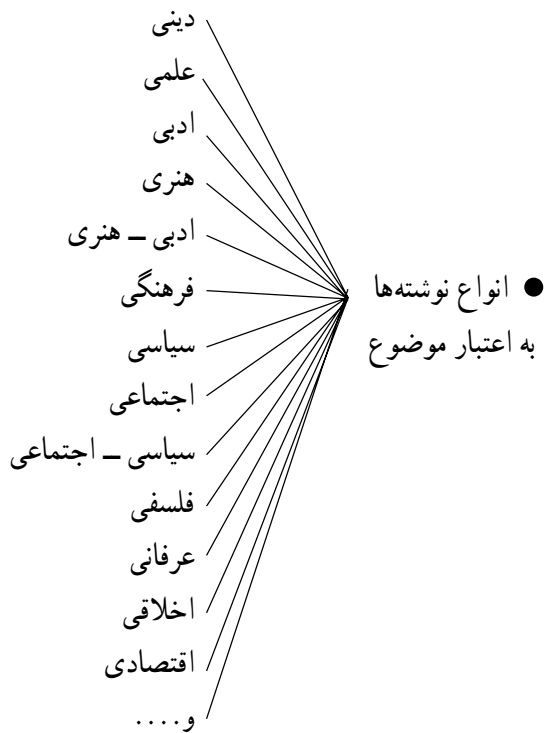
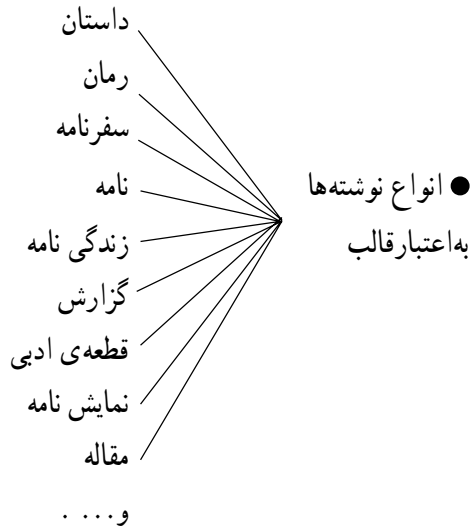
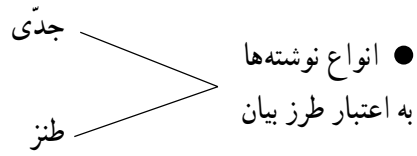
- تقسیم بندی انواع نوشته‌ها و گونه گونی اعتبار آن‌ها.
- بررسی هر نوشته بر اساس اعتبار موضوع مورد نظر.
- ویژگی‌های زبان معیار.
- ویژگی‌های زبان محاوره.
- ویژگی‌های مختلف زبان معیار.

در زندگی روزمره انواع گوناگونی از نوشته‌ها را خوانده‌اید و هنگام مطالعه‌ی روزنامه یا کتاب‌های درسی متوجه برخی تفاوت‌ها و گوناگونی‌ها شده‌اید. برخی نوشته‌ها جذاب و خواندنی و برخی دیگر خشک و خسته کننده هستند. زبان بعضی علمی و بعضی ادبی یا عامیانه است. بیان آن‌ها جدی و گاه به طنز است. علاوه بر این عناوین نوشته‌هایی که در زندگی با آن روبه رو می‌شویم، متفاوت است مانند مقاله، نامه، داستان و ...

می‌توان انواع نوشته‌ها را به چند اعتبار طبقه‌بندی کرد.^۱



۱- کتاب کار نگارش و انشاء (۱ و ۲) - دکتر حسن ذوالفقاری



■ این طبقه بندی به این معنا نیست که چهار نوع کلی برای انواع نوشته قائل شویم. بلکه همان طور که ملاحظه می شود، هر نوشته ای از چهار بعد متفاوت و به چهار اعتبار قابل بررسی است پس یک نوشته در عین حال ممکن است جدی، عرفانی و ادبی باشد مثل داستان منطق الطیر و برخی داستان های مثنوی.

■ بنابراین لازم نیست همیشه به دنبال یک گونه ی خاص از انواع نوشته باشیم این طبقه بندی امری نسبی و برای نظم دادن به ذهن می باشد به این معنی که مثلاً حتماً لازم نیست که یک نوشته فقط گفتاری و محاوره ای باشد بلکه ممکن است در یک داستان جدی که موضوع آن اخلاقی است از محاوره و یا زبان گفتاری نیز استفاده شود.

■ در بررسی انواع نوشته ها بهتر است که هر نوشته ای را به اعتبار مورد نظر بررسی کنیم. — مش اسد الله صفحه ای را از کتابی پاره کرد. با صفحه ی پاره شده پاکت قیفی درست کرد؛ تویش تنباکو ریخت؛ گذاشت توی ترازو؛ وزنش کرد؛ درش را بست و داد دست من. قند و چای و زرد چوبه هم گرفته بودم. به خانه رسیدم و مادر بزرگ چیزهایی را که از مش اسدالله، بقال سر کوچه، گرفته بودم از من گرفت و پاکت ها را خالی کرد و کاغذهایشان را که صفحه ی کنده شده ی کتاب بود، داد به من و گفت که بریزم توی سطل آشغال.

تعطیل تابستان بود و کار درست و حسابی نداشتم. همین جور، برای این که خودم را سرگرم کنم، نشستم گوشه ی اتاق و بنا کردم به خواندن صفحه های کتابی که تویشان تنباکو و قند و زرد چوبه پیچیده شده بود. هشت تا صفحه ی پشت سر هم بود، از صفحه ی پانزده تا بیست و دو. اول زردی های زرد چوبه و سفیدی های قند را قشنگ و با صبر و حوصله، از صفحه ها فوت کردم و پاک کردم و بنا کردم به خواندن. چقدر خوب و ساده و گیرا نوشته شده بود! قصه ی خوبی بود. هر هشت صفحه را خواندم، مزه ی کتاب رفت زیر دندانم.

اما بدشانسی این جا بود که قصه درست جای شیرینش، ته صفحه ی بیست و دو، یعنی آخرین صفحه ای که به دستم رسیده بود، قطع شد، درست جای حسّاس و هیجان انگیز قصه...

■ همان طور که می بینید این نوشته به اعتبار زبان یک نوشته ی گفتاری، به اعتبار طرز بیان، جدی، به اعتبار قالب داستان و به اعتبار موضوع اجتماعی است. به چند نوشته ی زیر دقت کنید:

■ فقط کله ها، فقط کله ها از دور، از ته بازار می آمدند و از کنارش رد می شدند. تا چشم کار می کرد کله بود. همه جور کله ای؛ طاس، پرمو، کم مو، بی کلاه، با کلاه، کلاه نمدی، سر بازی... گاه

۱- قصه های مجید، هوشنگ مرادی کرمانی، قصه ی عاشق کتاب.

کله‌ای پیش می‌آمد؛ دستی بالا می‌آمد و سگه‌ای می‌گذاشت کف دست پدر. پدر می‌جنبید. قد بلندی داشت. از جلوی دکان‌ها رد می‌شدند.^۱



■ ساعت ۹ صبح روز دوشنبه ۱۰ دی ماه ۱۳۷۵ به منظور بررسی کاربرد روش‌های کلی ایمنی در عملیات تصفیه‌ی آب و تولید بخار، پالایشگاه تهران را در هفت کیلومتری جنوب شهر ری مورد بازدید قرار دادم.

بنابراین بررسی روش‌های کلی ایمنی در این بخش به منظور رفع نقایص موجود دارای کمال اهمیت است...



■ کمبود خلّاقیت هنری و فرهنگی نیز حاصل فقدان ایمان است. شاعر یا هنرمند به جای آن که از نیروی ایمان سرشار شود، از خودش و منِ خودش سرشار است و طبیعی است که قبل از آن که به تأثیرش در اجتماع بیندیشد به حرکتی که شعرش ایجاد می‌کند، به این می‌اندیشد که وقتی در تلویزیون «من» این شعر را می‌خوانم، چه کسانی «من» را خواهند دید یا عکسی که از «من» همراه چاپ آن در مجلات در کدام صفحه چاپ می‌شود و...^۲

■ یک گروه از مخالفان دولت سعودی در یک راه پیمایی در لندن نقض حقوق بشر در عربستان را محکوم کردند. تظاهرکنندگان که پلاکاردهایی را علیه نقض حقوق بشر در عربستان در دست داشتند، با شعارهای خود خواستار برکناری فهد شاه عربستان شدند.^۳

– آیا زبان این چهار نوشته باهم یکی است؟

– مخاطبان هر یک از نوشته‌ها چه کسانی هستند؟

– موضوع و قالب هر نوشته چه بود؟

– آیا...

قالب نوشته‌ی اوّل روایی و داستانی و زبان و بیان آن روان و ساده و نزدیک به زبان گفتاری است.

نوشته‌ی دوم بخشی از گزارش یکی از کارشناسان ایمنی پالایشگاه تهران است که مشاهدات خود را بدون این که چیزی از آن کم کند یا بر آن بیفزاید، نوشته است. نوشته‌ی سوم نوشته‌ای است

۱- هوشنگ مرادی کرمانی، مشت بر پوست، ص ۱.

۲- دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، مجله‌ی فرهنگ و زندگی، ش ۹ مهر ۵۱.

۳- روزنامه‌ی اطلاعات، شماره‌ی ۲۰۷۵۱.

انتقادی که نویسنده در آن با زبان و بیانی ادبی به مسئله‌ی کمبود ایمان در عصر حاضر می‌پردازد. - نوشته‌ی چهارم بریده‌ی یک خبر است که به زبانی معمولی و عادی برای عموم مردم نوشته شده است.

■ نوشته‌های ما باید به نوشتار معیار نزدیک باشد و از لحاظ زبان بتوان آن را نمونه‌ی واقعی نوشتار معیار دانست. زبان معیار ویژگی‌هایی دارد که برخی از آن‌ها عبارتند از:

- ۱- زبان ملی و رسمی، فرهنگی و علمی، مطبوعاتی و آموزشی کشور ماست.
- ۲- زبان درس خواندگان و تحصیل کردگان است.
- ۳- این زبان به غیر فارسی زبانان آموزش داده می‌شود.
- ۴- نشانه‌ها و عناصر محلی، لهجه‌ای، لغات مهجور فارسی و لغات بیگانه در آن دیده نمی‌شود. تمام نوشته‌های امروز زبان فارسی به زبان معیار است؛ زیرا:
- ۱- زبان ملی و رسمی، فرهنگی، مطبوعاتی و آموزشی کشور ماست؛
- ۲- زبان درس خواندگان ایرانی است؛
- ۳- این زبان به غیر فارسی زبانان آموزش داده می‌شود؛
- ۴- عناصر و نشانه‌های محلی، لهجه‌ای، لغات مهجور فارسی گذشته و یا لغات بیگانه در آن دیده نمی‌شود؛

- ۵- زبان تثبیت شده است و اصولی معین دارد؛
 - ۶- بر اساس دستور زبان فارسی معاصر نوشته می‌شود.
- مردم هر کشور یک زبان را به عنوان زبان معیار می‌پذیرند ولی در کنار آن لهجه‌های محلی نیز وجود دارد. این لهجه ممکن است آثار نوشتاری نیز داشته باشد ولی رسمی، ملی و همگانی نیست؛ فقط ارزش منطقه‌ای دارد و البته حفظ آن نیز کاری لازم است.
- زبان معیار فارسی دارای گونه‌های متفاوت است^۱:

- ۱- گونه‌ی علمی
- ۲- گونه‌ی ادبی
- ۳- گونه‌ی اداری
- ۴- گونه‌ی روزنامه‌ای
- ۵- گونه‌ی گفتاری
- ۶- گونه‌ی کودکانه

۱- کتاب کار نگارش و انشاء (۱) - دکتر حسن ذوالفقاری. انتشارات اساطیر - ۱۳۷۵

اینک با هر یک از این گونه‌ها به اجمال و همراه با نمونه آشنا می‌شویم.

□ گونه‌ی علمی

● چگونه بوها را احساس می‌کنیم؟

هوا مخلوطی از اجزا و عناصر بسیار ریز و غیر قابل رؤیت است. وقتی نفس می‌کشیم، این اجزای ریز داخل بینی ما می‌شود و در مایعی که درون بینی ماست، حل می‌گردد و بوی آن‌ها را حس می‌کنیم؛ بدین ترتیب که اجزای «پاراتیکول»های بودار در مایع داخل بینی حل می‌گردد. اعصاب بینی را تحریک می‌کند و پیامی به مغز می‌رساند. اگر قبلاً این بو را حس کرده باشیم، آن را خواهیم شناخت و اگر نه، مغز آن را چون صفحه‌ی موسیقی ثبت و ضبط می‌کند. به همین دلیل وقتی بینی ما خشک است، بوها را کمتر حس می‌کنیم.

حس بویایی در بسیاری از موجودات از دیگر حس‌های آنان قوی‌تر است؛ مثل ماهی‌ها، سگ‌ها که شامه‌ی بسیار تیزی دارند. با همین حس شامه، آن‌ها دشمنان خود را می‌شناسند و یا به سوی غذا راهنمایی می‌شوند.

نوشته‌ی بالا نوشته‌ای علمی در موضوع زیست‌شناسی است؛ زیرا:

۱- در آن از اصطلاحات خاص این علم استفاده شده است (اجزا، عناصر، اعصاب، پاراتیکول، موجودات و...)

۲- مفاهیم دقیق علمی را بیان می‌کند.

۳- الفاظ، دقیق، صریح، گویا و بی‌ابهام هستند.

۴- از عناصر آرایه‌ها و زیبایی‌های ادبی در آن خبری نیست.

۵- پیام نوشته پیامی علمی است.

پس نوشته‌ی علمی می‌تواند دینی، فلسفی، عرفانی، اجتماعی، فنی و مهندسی، زیست‌شناسی، کامپیوتری، فیزیکی و... باشد. شما نیز تاکنون با این نوشته‌ها زیاد سر و کار داشته‌اید. کتاب‌های درسی شما چون فیزیک، شیمی، زمین‌شناسی، ریاضی، علوم اجتماعی، دستور زبان فارسی و... به زبان علمی است.

هر گاه بخواهیم مطلبی علمی بنویسیم، نباید از گونه‌های زبانی چون گونه‌ی گفتاری، ادبی و... در نوشته‌ی خود کمک بگیریم؛ زیرا به این ترتیب دیگر نمی‌توانیم پیام خود را به خوبی منتقل کنیم. شاید نوشته‌ی ما به نوشته‌ای خنده‌آور تبدیل شود، اگر مثلاً بخواهیم در تعریف علمی «نقطه‌ی جوش»

بنویسیم:

«نقطه‌ی جوش آن است که آب گوارا و شفاف چون اشک چشم را در اثر حرارت سوزنده به سان آتش جهنّم در یک صد درجه بالای صفر چون دل عاشقان زار به جوش و خروش در آورده و غلغلی چونان آتش فشان خواهد نمود.»

این تعریف غیر علمی و بلند است در حالی که نقطه‌ی جوش تعریفی علمی و کوتاه دارد :
«نقطه‌ی جوش نقطه‌ای است که در آن آب در یک صد درجه سانتیگراد به جوش می‌آید.»
می‌بینید که این مطلب را نمی‌توان با زبان نوشته‌های اداری، کودکانه یا... بنویسیم.

□ گونه‌ی ادبی

زبان ادبی معیار برای آفرینش آثار ادبی به کار می‌رود و علاوه بر پیام‌رسانی، بیانی عاطفی توأم با زیبایی‌آفرینی دارد به این نوشته‌ی ادبی دقت کنید :

● سیاهی شب سنگین شده و سکوتی رعب آور همه جا را فرا گرفته بود. هوا هم چون نگاه وحشتناک غارها حرکتی نداشت. صحرا خاموش بود و سیاهی و سایه‌ی مرگ و نیستی به هر طرف چیره.

نهر فرات در دل سیاهی، از میان نخلستان‌های انبوه می‌گذشت و یک نواخت به طرف نشیب‌های در تاریکی فرو رفته، سرازیر می‌شد. صدای غمگینش در میان نخل‌ها می‌پیچید و آهسته از گوش‌ها می‌افتاد و گاه جغدی از گوشه‌ای بر می‌خاست و به زودی باز بر لب چاهی یا بر شاخ نخلی می‌نشست و از وحشت و تاریکی فغانی از دل بر نمی‌آورد...^۱

نوشته‌ی بالا که در وصف شب عاشورا است، نوشته‌ای ادبی محسوب می‌شود؛ زیرا :

- ۱- سرشار از صور خیال و عناصر و آرایه‌های ادبی است.
 - ۲- به طور غیر مستقیم پیام را منتقل می‌کند.
 - ۳- تأثیر گذار است و احساس و عاطفه را بر می‌انگیزد.
 - ۴- به چگونگی نوشتن و زیبایی‌ها و آرایه‌ها بیشتر از پیام نوشته توجه شده است.
 - ۵- ساخت نحوی جملات اندکی با زبان معمولی فاصله دارد.
- در مقایسه‌ی این گونه نوشته‌ها با گونه‌ی علمی ملاحظه می‌کنید که دقیقاً در مقابل هم هستند. گونه‌ی ادبی زبان معیار، خود می‌تواند به اعتبار پیام، مخاطب، گوینده و... انواعی داشته باشد؛ چون: نوشته‌های توصیفی، تحقیقی، انتقادی، طنز و فکاهی و...

۱- محمدرضا حکیمی، سپیده‌ی آشنا، کتاب زبان فارسی ۱ و ۲ پیش‌دانشگاهی، ص ۵۱

□ گونه‌ی اداری

● به این نوشته دقت کنید :

اداره آموزش و پرورش شهرستان میبد

سلام علیکم

در پی درخواست شماره‌ی ۷۴۸/۱۰ مورخه ۷۵/۶/۳ آقای محمد نوری دانش آموز سال اول دبیرستان نظام جدید مبنی بر انتقال پرونده‌ی نامبرده به آن اداره، به پیوست مدارک تحصیلی وی در ۲۸ برگ جهت هر گونه اقدام، ارسال می‌گردد متمنی است پس از دریافت، اعلام وصول فرمایید.

با تشکر

رئیس اداره آموزش و پرورش شهرستان آباد

نوشته‌ی بالا یک نامه‌ی اداری است و در آن :

- ۱- از اصطلاحات خاصی چون درخواست، مبنی بر، نامبرده، به پیوست، جهت هر گونه اقدام، اعلام وصول و... استفاده شده است که برای گیرنده و فرستنده مفهومی خاص دارد.
 - ۲- کوتاه، صریح، گویا و بدون درازگویی است.
 - ۳- با هدفی خاص نوشته شده است.
- نامه به تناسب مخاطب خود اقسامی چون نامه‌ی دوستانه، اداری، ادبی و گویا دارد. در کتاب دوم، بخش «نامه نگاری» با این نامه‌ها و نمونه‌هایی از آنها آشنا خواهید شد.

□ گونه‌ی روزنامه‌ای

باگسترش حوزه‌ی اطلاع رسانی و ظهور و همگانی شدن وسایل ارتباط جمعی به ویژه روزنامه‌ها، مجلات ادواری از یک صد سال پیش، گونه‌ای از زبان فارسی معیار به وجود آمد که به دلیل کاربرد آن در روزنامه‌ها و سایر مطبوعات، به «گونه‌ی روزنامه‌ای یا مطبوعاتی» معروف است. هدف مطبوعات بالا بردن سطح آگاهی عمومی است؛ پس باید شیوه‌ی نگارش آن به گونه‌ای باشد که عامه‌ی مردم به خوبی مطالب آن را دریابند.

□ نشر مطبوعاتی

- ۱- از آرایش‌ها و زیبایی‌های کلامی و ادبی خالی است؛

۲- به سرعت نوشته می‌شود و از دقت کمتری برخوردار است ؛

۳- طبقات مختلف جامعه آن را در می‌یابند.

روزنامه‌ها و مجلات دارای ستون‌های مختلفی چون سرمقاله، پاورقی، آگهی، ادب و هنر، حوادث، مقاله و گزارش، گفت‌وگو و... هستند و به همین دلیل، زبان نوشته‌های آنها یکسان نیست. از طرفی مطبوعات نیز چند دسته‌اند :

۱- روزنامه‌ها و مجلات عمومی و روزانه

۲- مجلات تخصصی که خوانندگان و مخاطبان خاص خود را دارد.

۳- نشریات ویژه‌ی کودکان و نوجوانان.

و هر کدام از آنها زبانی خاص برای مخاطبان خود دارند.

با هم نمونه‌ی یک گزارش خبری را مطالعه می‌کنیم :

● مردان پانزده بار بیش‌تر از زنان دچار جنون آنی می‌شوند.

در دهمین کنگره‌ی جهانی بیماری‌های اعصاب و روان که با حضور صدها تن از پزشکان متخصص از سراسر دنیا در مادرید برگزار شد، دکتر «وول سوینکا» نویسنده و برنده‌ی جایزه‌ی «نوبل» در ادبیات در سال ۱۹۸۶ م. در مورد بیماری روانی در میان نیمی از صاحبان قدرت و رؤسای درجه‌ی یک کشورهای جهان صحبت کرد. وی گفت : «شاید حضور من در کنگره‌ی پزشکان بیماری اعصاب یک پدیده‌ی جدید باشد ولی من فکر می‌کنم رابطه‌ی ادبیات و شناخت، طبیعی رفتار بشری است. ما نویسندگان، قهرمانان داستان خود را بر اثر رفتار و کردار روانی آنان در صحنه‌ی قصه‌ها تعریف و توصیف می‌کنیم.» دکتر «وول سوینکا» افزود : «در دنیای امروزی بهتر است نیمی از دولت مردان جهان در یک اقامتگاه خاص بیماری‌های اعصاب و روان مورد آزمایش قرار گیرند.» این امر باعث بهت و حیرت حضار شد. وی گفت : «مثلاً در کشور من (نیجریه) قدرت، یک پدیده‌ی دیوانه وار است. در عمل دولت مردان اروپایی هم این پدیده‌ی خطرناک بسیار مشاهده شده است ؛ نظیر هیتلر، استالین، «بوکاسا» در افریقا یا «پُل پوت» با آن کشتار میلیونی اش، در کامبوج و لاگوس نیز اخیراً شاهد این دیوانگی بودیم.» در حاشیه‌ی کنفرانس جهانی بیماری‌های روانی و اعصاب، دکتر «ناکاجیما»، رئیس انجمن جهانی بیماری‌های اعصاب و روان می‌گوید : «در حدود ده هزار و پانصد میلیون نفر در جهان از بیماری اعصاب و روان رنج می‌برند.» وی ضمن گفت‌وگو با خبرنگار ما گفت : «در پشت پرده‌ی بیشتر جنایت‌ها، دست کشنده‌ی بیماری روانی وجود دارد. بیماری روانی اول در جوانی و بعد در سنین بعد از شصت سالگی بروز می‌کند. در حدود چهل و پنج میلیون نفر در جهان به بیماری شیذوفرنی مبتلا هستند.» هم چنین دکتر «خوان خوزه لویز»، رئیس

کنگره‌ی مادرید گفت: «بیماری‌های اعصاب و روان در بیشتر جوامع مدرن امروزی وجود دارد و دولت‌ها باید برای جلوگیری از پیشرفت آن تلاش کرده و بودجه اختصاص دهند.» پرفسور «جان نامش» که در سال ۱۹۵۸ طبق نوشته‌ی مجله‌ی «فورچون» جوان‌ترین دانشمند ریاضی جهان بود و بعدها جایزه‌ی (نوبل) را نصیب خود ساخت، در کنگره تعریف کرد که ۱۵ سال با بیماری اعصاب و روان دست و پنجه نرم کرده است.^۱

□ گونه‌ی گفتاری

«آقای بیجاری، امروز مثل این که کسلید.»

احمد علی خان بیجاری پشت میز نشسته بود. کت خاکستری رنگی به تن داشت. قیافه‌اش گرفته بود و یک دسته از موهای جوگندمی‌اش پایین ریخته بود و به پیشانی عرق کرده‌اش چسبیده بود. – «بچه‌ام مریضه. حواسم جمع نیست.»

بيجاری در جواب رفیق همکارش که برای حلّ یک اشکال اداری خود پیش او آمده بود، این‌طور گفت. رفیق همکارش مردی بود جوان؛ خیلی خوش رفتاری از خود نشان می‌داد.

– «چه طور آقا؟ چشم شده؟»

– «چه عرض کنم؟ بایس دیفتری گرفته باشه...»^۲

نوشته‌ی بالا ابتدای یکی از داستان‌های جلال آل احمد و گونه‌ی گفتاری زبان معیار فارسی است؛ زیرا:

۱- ارکان دستوری در آن جابه جا شده است.

۲- از زبان محاوره (لغات، اصطلاحات و امثال) در آن استفاده شده است.

۳- ساده، بی تکلف و قابل فهم برای عامه‌ی مردم است.

نوشته‌های گفتاری که به «نثر محاوره» یا «نثر شکسته» معروف است، یکی از گونه‌های فارسی معیار به شمار می‌رود و امروزه کاربردی رایج دارد. معمولاً داستان نویسان از این گونه، به ضرورت استفاده می‌کنند.

علاوه بر داستان نویسان، نویسندگان برنامه‌های رادیو و تلویزیون و نمایش نامه‌ها و فیلم نامه‌ها و... نیز از زبان گفتاری بهره می‌گیرند.

برای این که به اهمیت زبان گفتاری بهتر پی ببریم، کافی است بدانیم تمام آنچه را که هر روز از

۱- روزنامه‌ی اطلاعات شماره‌ی ۲۰۹۰۸۰

۲- جلال آل احمد، سه‌تار، ص ۱۴۲

رادیو و تلویزیون می‌شنویم و می‌بینیم، ابتدا نویسنده‌ای می‌نویسد و سپس مجریان یا بازیگران، آن نوشته‌ها را اجرا می‌کنند. اساساً یکی از ارکان مهم رادیو و تلویزیون نویسنده است؛ زیرا تا او ابتدا مطالب را ننویسد، کسی نمی‌تواند آن را اجرا کند.

نوشته‌های رادیویی و تلویزیونی باید ساده، خلاصه، واضح و مطابق زبان فارسی امروز باشد.

□ گونه‌ی کودکانه

«پدر بزرگ صلواتی می‌خواست، آن هم بلند. می‌فرستادیم و بعد با یکی بود، یکی نبود، غیر از خدا هیچ کس نبود...»

نیمه‌ی شب، خواب، آویزان مژه‌ها می‌شد و پدر بزرگ، داستان بلند را جایی نیمه تمام می‌گذاشت و باز هم صلوات می‌خواست... اگر زمستان بود؛ اگر زمستانی سرد بود و اگر کرسی‌های قدیم بر پا بود، خواب، خواب نیمه شب، پر بود از ستاره؛ ستاره‌های دور دست که نزدیک خدا بود.

و صدای پدر بزرگ میان ستاره‌ها گم می‌شد.

— «پدر بزرگ! نمی‌شود این قصه را بنویسی؟»

[پدر بزرگ باخنده]: «نوشته‌اند پسر. قدیمی‌ها... شاعرها و نویسندگان...»

اگر پدر بزرگ نباشد، اگر پدر بزرگش میان ستاره‌ها گم شود، کاری باید کرد. کاش می‌شد قصه خواند!

● زبان نوشته‌ی بالا کودکانه است (یعنی برای کودکان نوشته شده است)؛ زیرا:

۱- در آن از واژگان و دانش‌های پایه‌ی کودکان استفاده شده است.

۲- زبان آن ساده و قابل فهم است.

۳- عبارت‌های دو پهلو و مبهم در آن دیده نمی‌شود.

۴- متناسب‌علاقه، احساسات، عواطف و باورهای کودکان مخاطب نوشته شده است.

۵- صمیمی است.

نوشته‌های کودکان اغلب این چنین اند: ساده، صمیمی و گویا.

نوشته‌های کودکان می‌تواند انواعی داشته باشد؛ شعر / قصه / نمایش نامه / سرگرمی / علمی

... و

خلاصه‌ی درس پنجم

- نوشته انواع گوناگون دارد.
- انواع نوشته را بر اساس ۴ اعتبار می‌توان طبقه بندی کرد:
- ۱- گونه‌های زبان
- ۲- طرز بیان
- ۳- قالب
- ۴- موضوع و محتوا
- نوشته‌ها به اعتبار گونه‌های زبان ممکن است علمی، ادبی، علمی- ادبی، اداری، نامه، زندگی نامه، گزارش، قطعه‌ی ادبی، نمایش نامه، مقاله و... باشد.
- نوشته به اعتبار موضوع و محتوا ممکن است دینی، علمی، ادبی، هنری، ادبی- هنری، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، فلسفی عرفانی، اخلاقی، اقتصادی و... باشد.
- در نقل قول‌های یک نوشته از زبان محاوره استفاده می‌شود.
- ویژگی‌های زبان محاوره، جا به جا شدن ارکان دستوری، شکسته نویسی کلمات، استفاده از لغات، اصطلاحات و... سادگی و قابل فهم بودن آن است.
- مهم‌ترین ویژگی‌های زبان معیار عبارتند از:
- ۱- زبان ملی و رسمی، فرهنگی و علمی، مطبوعاتی و آموزشی کشور ماست.
- ۲- زبان درس خواندگان و تحصیل کردگان است.
- ۳- این زبان به غیر فارسی زبانان آموزش داده می‌شود.
- ۴- نشانه‌ها و عناصر محلی، لهجه‌ای، لغات مهجور فارسی و لغات بیگانه در آن دیده نمی‌شود.

گونه‌های مختلف زبان معیار عبارتند از:

- ۱- گونه‌ی علمی
- ۲- گونه‌ی ادبی
- ۳- گونه‌ی اداری
- ۴- گونه‌ی روزنامه‌ای
- ۵- گونه‌ی گفتاری
- ۶- گونه‌ی کودکانه

❖ پاسخ خودآزمایی‌های درس پنجم

- ۱- نوشته‌ی اول: این نوشته از لحاظ زبان، ادبی است و از نظرگاه قالب، خاطره‌واز لحاظ موضوع، اجتماعی و از لحاظ بیان جدی است.
- نوشته‌ی دوم: به اعتبار چهار معیار طرح شده در درس به ترتیب عبارت است از مطبوعاتی، جدی، گزارش و علمی- فرهنگی.
- نوشته‌ی سوم: یک نوشته‌ی اداری، جدی، نامه و فرهنگی است.

- ۲- هر دانش‌آموز به تناسب ذوق و استعداد و توانایی خود از زبان کودکانه استفاده می‌کند.
- ۳- می‌گذرد - دارد - بر می‌خیزیم - می‌دهیم - بر می‌گردد یا بر می‌گردند (فعل می‌تواند هم مفرد و هم جمع باشد؛ زیرا نهاد غیر جاندار است.) - باز می‌ایستد - شد یا شدند (فعل می‌تواند هم مفرد و هم جمع باشد؛ زیرا نهاد غیر جاندار است.) - می‌آید یا می‌آیند (چون نهاد غیر جاندار است فعل می‌تواند هم مفرد و هم جمع باشد) بیفشانیم - درو کنیم.
- ۴- فعالیت دانش‌آموزی است.

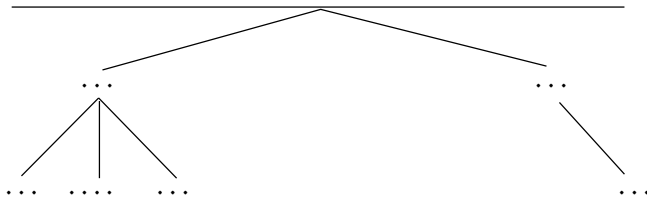
❁ خودآزمایی‌های نمونه

- ۱- نوشته‌های کتاب فارسی از لحاظ زبان..... است.
 - ۲- زبان علمی برای انتقال..... به مفاهیم دقیق علمی به کار می‌رود.
 - ۳- در نوشته‌های علمی، هر لفظ در معنی..... خود به کار می‌رود.
 - ۴- استفاده از تخیل و اقدام به خلق و آفرینش از ویژگی نوشته‌های..... است.
 - ۵- زبان نامه‌های اداری کوتاه و..... است.
 - ۶- گونه‌ی..... همان زبان رسانه‌های گروهی به ویژه مجلات و روزنامه‌هاست.
 - ۷- گونه‌های گفتاری همان زبان..... است که در برخی از داستان‌ها استفاده می‌شود.
 - ۸- در زبان محاوره‌ای ارکان..... جا به جا می‌شود.
 - ۹- در زبان..... از لغات، اصطلاحات و کنایات عامیانه استفاده می‌شود.
 - ۱۰- زبان..... زبانی است که به غیر فارسی زبان‌ها آموخته می‌شود.
 - ۱۱- زبان رسمی کتاب‌های درسی زبان فارسی..... است.
 - ۱۲- در نوشته‌ها تا چه حد می‌توان از زبان محاوره‌ای استفاده کرد؟
 - ۱۳- در زبان کودکانه نحوه‌ی بیان چگونه است؟
 - ۱۴- زبان علمی چه تفاوتی با زبان ادبی دارد؟
 - ۱۵- نوشته‌ها به اعتبار قالب به چند دسته تقسیم می‌شوند؟ چهار مورد را نام ببرید.
 - ۱۶- نوشته‌ی زیر چه نوع نوشته‌ای است؟ دلایل خود را بنویسید.
- نهر فرات ازدل سیاهی، از میان نخلستان‌های انبوه می‌گذشت و یکنواخت به طرف نشیب‌های در تاریکی فرورفته، سرازیر می‌شد. صدای غمگینش میان نخل‌ها می‌پیچید و آهسته از گوش‌ها می‌افتاد. گاه جفدی از گوشه‌ای بر می‌خاست و به زودی باز بر لب چاهی یا بر شاخ نخلی می‌نشست و از وحشت و تاریکی، فغانی از دل بر نمی‌آورد.

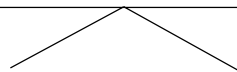
(محمد رضا حکیمی - سپیده‌ی آشنا، زبان و ادبیات فارسی ۱ و ۲ پیش دانشگاهی)

۱۷- جمله‌های زیر را در نمودار قرار دهید.

□ نهر فرات در دل سیاهی، از میان نخلستان‌های انبوه می‌گذشت.



□ صدای غمگیش در میان نخل‌ها می‌پیچید.



۱۸- درباره‌ی آسمان دو مطلب بنویسید که زبان یکی علمی و دیگری ادبی باشد.

۱۹- خاطره‌ی کوتاهی را به زبان گفتاری بنویسید سپس آن را به زبان معیار بازنویسی کنید.

۲۰- ترکیب‌های وصفی و اضافی علمی را انتخاب کنید و بنویسید.

۲۱- یکی از برنامه‌های رادیویی را ضبط کنید و پس از بازنویسی، زبان گفتاری آن را به

نوشتاری تبدیل کنید.

۲۲- نوشته‌ی زیر از کدام گونه‌ی زبان معیار به شمار می‌آید؟ (دلایل خود را ذکر کنید)

«لطایف الطوائف مجموعه‌ای است از لطیفه‌ها، شوخی‌ها و نکته‌گویی طبقات گوناگون. کتابی

است در نوع خود نغز و ممتاز و نمودار فرهنگ وسیع نویسنده و ذهن تیز و باریک بین او. مطالعه‌ی

این کتاب نه فقط سبب مسرت خاطر تواند بود بلکه بر معرفت ما می‌افزاید. مؤلف در مقدمه می‌نویسد

که اثر او مجموعه‌ای است از لطایف ارباب راز و خرد. کتاب لطایف الطوائف رنگ ملت پرستی

افراطی ندارد اما غنای فرهنگ ایران دوره‌ی اسلامی را در بسیاری از زمینه‌ها نشان می‌دهد و ذخایر

ذهنی و فکری خواننده را چندان غنی می‌سازد که آموخته‌های او از این کتاب در موارد بسیار دست

مایه‌اش تواند بود.»

۲۳- با مراجعه به کتاب‌های زیر و مطالعه‌ی بخشی از آن‌ها معلوم کنید زبان آن‌ها از کدام

گونه‌ی زبان معیار است:

(الف) قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب. از مهدی آذرزیدی

(ب) داستان راستان، شهید مطهری

۱- غلامحسین یوسفی، دیداری با اهل قلم، صص ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱

خط و نوشتار

اهداف کلی

- ۱- آشنایی بانحوه‌ی پیدایش خط و نوشتار.
- ۲- شناختن علل نیاز انسان به آموختن خط و نوشتار.
- ۳- شناخت تفاوت خط و نوشتار با زبان و گفتار.

اهداف جزئی

- ۱- دانش‌آموز بداند که خط و نوشتار چگونه بوجود آمده است؟
- ۲- ذاتی بودن زبان و اجتماعی و فرهنگی بودن خط و نوشتار را بداند.
- ۳- بداند که خط و نوشتار نسبت به زبان و گفتار پدیده‌ای است که سابقه‌ی دیرینه ندارد.
- ۴- تفاوت شکل نوشتاری و صورت گفتاری جمله‌ها را تشخیص دهد.
- ۵- با برخی از نمونه‌های خط‌های کهن آشنا شود.
- ۶- خط و نوشتار فارسی را از دیگر خط‌های موجود تشخیص دهد.

منابع

– زبان (درآمدی بر مطالعه‌ی سخن گفتن) ادوارد ساینر ترجمه‌ی علی محمد حق‌شناس –

سروش ۷۶

– تاریخ زبان فارسی – دکتر خانلری – بنیاد فرهنگ ایران چاپ چهارم آذر ماه ۱۳۵۳

– زبان و تفکر – دکتر باطنی محمدرضا – فرهنگ معاصر – تهران ۶۹

– تاریخ زبان فارسی دکتر مهری باقری – دانشگاه پیام نور ۷۵

– از زبان‌شناسی به ادبیات – کورش صفوی – سازمان تبلیغات اسلامی – تهران ۷۹

– کثرت قومی و هویت ملی ایرانیان – دکتر ضیاء صدر – اندیشه‌ی نو – تهران ۷۷

روش‌های تدریس پیشنهادی

– روش بحث گروهی

– روش همیاری

– روش پرسش و پاسخ

نکات اساسی درس ششم

- شرح و توضیح گفتار و نوشتار و بیان تفاوت میان آن‌ها.
- بررسی تفاوت‌های اساسی میان زبان و گفتار با خط و نوشتار.
- آشنایی با نمونه‌ی برخی از خط‌های کهن.
- توضیح گوناگونی شکل خط‌ها.
- بیان مسیر تکاملی خط از صورت‌های تصویر نگاری، معنی نگاری و واژه نگاری به شکل الفبایی.

□ گفتار و نوشتار^۱

در روند تکاملی گفتار، مسلماً انسان‌ها صورت‌های گوناگون صداهاى طبیعی مثل «کوکو» و «دنگ دنگ» را با یکدیگر تلفیق می‌کرده‌اند. آن‌ها صداهاى ناشی از عکس‌العمل‌های احساسی، مثل «اوه»، «آه»، «آخ»، رانیز با یکدیگر ترکیب و گفتارشان را تا حدّ زیادی با حرکات جسمی مثل اشاره کردن یا بالابردن ساعد و خم کردن آن روی بازو همراه کرده‌اند. به هر حال به نظر می‌رسد که تمامی این صداها و حرکات صرفاً مشخص‌کننده‌ی یکی از نقش‌های کاربردی زبان باشد که آن را به نقش تبادل‌ی (interactional) توصیف می‌کنیم. نقش مذکور مربوط به این امر می‌شود که چگونه انسان‌ها زبان را به منظور تبادل اجتماعی یا اقتصادی به کار می‌گیرند و چگونه از آن برای ابراز دوستی و تعادل یا دشمنی و رنجش و درد یا خشنودی استفاده می‌کنند. اما زبان نقش مهمّ دیگری نیز دارد؛ یعنی نقش القائی (transactional) که به وسیله‌ی آن انسان‌ها توانایی زبانی‌شان را برای انتقال دانش، مهارت‌ها و اطلاعات به کار می‌برند. جای تأسف است که ما حاضریم اجداد غارنشینان را موجوداتی پشمالو، غرولند کن و استخوان خوار تصوّر کنیم که به هم نشینان خود پرخاش می‌کرده‌اند و این کار بیشتر برای آن بوده که دختران و پسران جوان غارنشین را با پیام‌های خود که بهترین نحوه‌ی به دست گرفتن استخوان در حین جویدن بوده است آگاه کنند.

۱- جورج یول - نگاهی به زبان (یک بررسی زبان‌شناختی)

نقش القایی، احتمالاً برای انتقال دانش از نسلی به نسل دیگر، تکامل یافته است و این رسالت و انتقال زبان، مادامی که صرفاً در گفتار تحقق یابد از نظر زمان و وسعت کار کاملاً محدود می‌ماند. گفتار ماهیتاً زودگذر و فانی است؛ لذا میل به داشتن یک پیشینه‌ی با ثبات‌تر از دانسته‌های قبلی، بایستی انگیزه‌ی اولیه‌ی پیدایش نشانه گذاری‌ها، کلمه‌های مکتوب و نهایتاً زبان نوشتاری بوده باشد. □ امروز هیچ جامعه‌ی انسانی وجود ندارد که زبان نداشته باشد؛ حتی قبایل ساکن دورافتاده‌ترین جزایر اقیانوسیه و یا اهالی وحشی‌ترین جنگل‌های آفریقا، همه دارای زبان هستند. ولی همه‌ی این جوامع دارای خط نیستند. تعداد زبان‌های جهان را در حدود سه هزار برآورد کرده‌اند ولی جوامعی که زبان آن‌ها صورت نوشته داشته باشد، نسبت به این مجموع بسیار کم است. حتی در جوامعی که خط وجود دارد همه‌ی مردم خواندن و نوشتن نمی‌دانند در حالی که همه، زبان را به صورت گفتار به کار می‌برند. تاریخ پیدایش زبان را بین پانصد هزار تا یک میلیون سال پیش حدس می‌زنند ولی پیدایش خط پدیده‌ای بسیار جدید است؛ حتی ابتدایی‌ترین صورت آن از ده هزار سال پیش فراتر نمی‌رود.

در طول حیات، کودک اول زبان یاد می‌گیرد و بعد به مدرسه می‌رود و خط می‌آموزد در واقع وقتی به آموختن خط آغاز می‌کند که به کاربرد گفتاری زبان مادری خود کم و بیش تسلط یافته باشد و انسان مجبور است از روشی برای بیان احساسات خود استفاده کند که انسان نخستین، روی خاک، سنگ‌ها، کتیبه‌ها و رفته رفته در اثر پیشرفت روی کاغذ، مفاهیم را ابراز می‌داشته که البته با کمک تصاویر و خطوطی این کار صورت می‌گرفته و هر ناحیه‌ای با توجه به استعداد خاص آن منطقه و افراد ساکن آن منطقه، روشی را به عنوان خط اختراع کرده‌اند و مفاهیم را ماندنی و قابل انتقال ساخته‌اند این کار امتیازاتی نسبت به گفتار داشته است؛ از آن جمله^۱:

- ۱- نوشته صورتی ثابت و چشمگیر دارد در حالی که گفتار گذرا است و ناپدید می‌شود.
- ۲- نوشته سنجیده‌تر از گفتار است. در هنگام نوشتن، امکان تفکر، سنجش و تجدید نظر وجود دارد، در حالی که در گفتن، چنین امکاناتی وجود ندارد. در نتیجه نوشته محکم‌تر، زیباتر و درست‌تر از گفتار جلوه می‌کند.
- ۳- آثار ادبی و میراث فرهنگی جوامعی که خط دارند از طریق نوشته در دسترس مردم قرار می‌گیرند و اهمیت فرهنگی آن آثار به طور ناخودآگاه به ارزش خط و نوشته می‌افزاید.
- ۴- نوشتار محافظه‌کارتر از گفتار است؛ یعنی صورت‌های نوشتاری به سرعت و پا به پای تغییرات مداوم گفتار دگرگون نمی‌شوند؛ به عنوان مثال املاهای کلماتی مثل خار و خوار بازگوکننده‌ی

۱- زبان (درآمدی بر مطالعه سخن گفتن) ادوارد سائیر (ترجمه‌ی علی محمد حق شناس - سروش - تهران چاپ اول)

روزگاری است که این کلمات تلفظی متفاوت با آنچه فعلاً دارند، داشته‌اند. هم‌چنین باید بدانیم که زبان و گفتار ریشه در ذات و طبیعت انسان دارد در حالی که خط و نوشتار ذاتی و طبیعی نبوده و ریشه در اجتماع و فرهنگ دارند. زبان همواره با انسان بوده ولی خط سابقه‌ای کم دارد، ساخته‌ی خود انسان است و با گفتار رفته رفته فاصله می‌گیرد و متمایز می‌شود. راز اصلی نیاز به آموختن خط و نوشتار را می‌توان چنین گفت که وسیله‌ای برای بیان احساسات انسانی است و این روش ابراز، در مناطق جغرافیایی مختلف، متفاوت بوده و زبان گفتاری هر منطقه‌ای با زبان نوشتاری آن رفته رفته فاصله می‌گیرد؛ مثلاً همین مثال کتاب را مطرح نموده و شکل نوشتاری و گفتاری آن را مقایسه می‌کنیم.

۱- شما نیز با دوستان خود به سفر رفتید (شکل نوشتاری).

۲- شمام با دوستای خودتون رفتین سفر (شکل گفتاری).

● نمونه‌هایی از خط‌های قدیمی که روی سنگفرش‌ها، سکه‌ها، اسناد، کتاب‌ها و رساله‌های گوناگون به جای مانده‌اند.

نمونه الفبای پهلوی

در مورد شکل خط نیز بهتر است به نکاتی چند اشاره کنیم:

هنگام بررسی خط، باید این نکته را به خاطر داشته باشیم که بسیاری از زبان‌های مکشوف در جهان امروز را فقط به صورت گفتاری به کار می‌برند. این زبان‌ها صورت نوشتاری ندارند و تا آن‌جا که ما می‌دانیم برای زبان‌هایی که نظام نوشتاری دارند نیز، تکامل خط یک پدیده‌ی نسبتاً جدید است. ما می‌توانیم سابقه‌ی تلاش‌های بشر را در نمایش درآوردن اطلاعات، در نقاشی‌های غارها که عمر آن‌ها دست کم به بیست هزار سال می‌رسد، یا در نشانه‌های سفالی متعلق به ده هزار سال قبل که احتمالاً اولین تلاش بشر برای ثبت اسناد بوده ردیابی کنیم ولی این کارها را غالباً ابداعات اولیه در نوشتار به حساب آورده‌اند و قدمت نوشتاری که متکی به نوعی خط الفبایی باشد، فقط به سه هزار سال قبل می‌رسد.

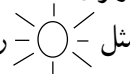

بیشتر مدارکی که در بازسازی نظام‌های خطی قدیم به کار برده شده‌اند، از نوشته‌های روی سنگ‌ها یا لوحه‌های یافت شده بر تخته سنگ‌های شهرهای مخروطه به دست آمده‌اند. بسیاری از این نوشته‌ها هرگز رمزگشایی نشده‌اند، امکان دارد بعضی از این مدارک اسنادی مهم و مرتبط با رویدادهای بزرگ نباشند بلکه صرفاً بقایای خطوط گنگ و دیوار نوشته‌های مربوط به آن دوران باشند. با وجود این، پی بردن به مراحل تکوین این نوشته‌ها به ما امکان کشف یک سنت نوشتاری متعلق به چند هزار سال قبل را می‌دهد که انسان با آن در پی ثبت و ضبط با دوام‌تر اندیشه‌ها و سخنان خود بوده است.

خط فarsi	کریه چو ایتیک	کریه بیک	پهلوی بزرگ	پهلوی کوچک
ا	𐎠	𐎡	𐎢	𐎣
ب	𐎤	𐎥	𐎦	𐎧
ج	𐎨	𐎩	𐎪	𐎫 (ق) د
د	𐎭	𐎮	𐎯	𐎰 (ز و) (ژ) د
ه	𐎲	𐎳	𐎴	𐎵 (ح) ه
و	𐎷	𐎸	𐎹	𐎺
ز	𐎼	𐎽	𐎾	𐎿
ح	𐏁	𐏂	𐏃	𐏄
ط	𐏆	𐏇	-	-
ی	𐏈	𐏉	𐏊	𐏋 (+) د
ک	𐏌	𐏍	𐏎	𐏏
ل	𐏑	𐏒	𐏓	𐏔 (ط) د
م	𐏖	𐏗	𐏘	𐏙
ن	𐏛	𐏜	𐏝	𐏞
س	𐏟	𐏠	𐏡	𐏢, 𐏣
ع	𐏤	𐏥	𐏦	𐏧
ف	𐏩	𐏪	𐏫	𐏬
ص	𐏮	𐏯	𐏰	𐏱
ن	𐏴	𐏵	-	-
ر	𐏷	𐏸	𐏹	𐏺
ش	𐏼	𐏽	𐏾	𐏿
ت	𐏻	𐏼	𐏽, 𐏾	𐏿

در این بخش، به معرفی بعضی از این خطوط می پردازیم :
این خطوط عموماً به ۵ یا ۶ دسته تقسیم می شوند که به صورت مکمل هم به وجود آمده اند.
اسامی این خطها عبارتند از :

۱- خط تصویر نگار و معنی نگار :	pictograms and ideograms
۲- خط واژه نگار :	word - writing
۳- خط رمزی :	Rebus writing
۴- خط هجائی :	syllabic writing
۵- خط الفبائی :	Alphabetic

۱- خط تصویر نگار و معنی نگار: نقاشی‌های غارها ممکن است برای ثبت وقایع مفید باشند اما هیچ نوع پیام زبانی خاصی به حساب نمی‌آیند. معمولاً این نوع نقاشی‌ها بخشی از سنت هنر تصویری مورد توجه بوده‌اند وقتی که بعضی از تصاویر به طور ثابتی نمایانگر تصورات خاصی شده باشند، می‌توانیم آن‌ها را نوعی نوشتار تصویری یا خط تصویر نگار توصیف کنیم.

- خط معنی نگار: بنابراین شکلی مثل  را احتمالاً برای خورشید به کار می‌برده‌اند. نکته‌ی مهم در این نوع کاربرد نشانه نمادی (representative symbol) این است که باید برای رساندن معانی اساساً متشابه از صورت‌های مشابه استفاده کرد. به مرور زمان این تصویر احتمالاً صورت نشانه‌ای ثابت‌تری به خود گرفته و صورتی مثل  علاوه بر خورشید برای گرما و روز هم استعمال می‌شده است. این نوع نشانه را بخشی از یک نظام نوشتاری معنایی یا خط معنی نگار گویند.

۲- خط واژه نگار: نمونه‌ی خوب این خط همان است که سومری‌ها در بخش جنوبی عراق امروزی پنج تا شش هزار سال قبل به کار می‌برده‌اند. این نوشتجات را به دلیل استعمال اشکالی خاص در نشانه‌هایشان عموماً نوشتجات میخی نامیده‌اند.

بنابراین در دوره‌ی سومری‌ها مدرکی دال بر به وجود آمدن یک نظام خطی واژه بنیاد داریم و آن مدرک نوشتجات سومری‌ها به خط میخی است که معمولاً با عبارت اولین نظام خطی شناخته شده یاد می‌کنیم.

۳- خط رمزی: در این روش نشانه‌ی موجود برای یک شیء، به عنوان یک نشانه برای صدای کلمه‌ی گفتاری به کار رفته است که معمولاً به همان شیء اطلاق می‌شود. سپس هر گاه که آن صدا یا صورت ملفوظ در کلمه‌ای دیده شود به جای آن نشانه‌ی مذکور به کار می‌رود.

مثلاً ما می‌توانیم با کار کردن روی صورت آوایی کلمه‌ی انگلیسی eye مثالی را برای این خط بسازیم. مثلاً می‌توانیم تصور کنیم که چگونه تصویر نگار به واژه نگار تحول یافته است. این واژه نگار به صورت eye تلفظ می‌شود و با به کارگیری اصل رمزی می‌توانید به خودتان با (I) و به یکی از دوستانتان با + اشاره کنید.

۴- خط هجائی: مثالی را در نظر بگیرید که غیر انگلیسی است و در آن «معنی نگار»، تبدیل به «واژه نگار» گردیده که صورت آوایی آن (Boat ba انگلیسی) است. حال می‌توانیم کلمه‌ی ملفوظ baba (father انگلیسی) را با نشانه‌ای ارائه کنیم.

در مثال بالا نشانه‌ی به کار رفته، برای بخش‌های یک کلمه نمایانگر ترکیبی از یک همخوان و یک واکه (ba) بود. این ترکیب نوعی هجاست. وقتی که یک نظام نوشتاری مجموعه‌ای از نشانه‌هایی

را که نمایانگر تلفظ هجاهاست، به کار گیرد، آن را خطّ هجائی می‌نامیم.

۵- خطّ الفبائی: اگر مجموعه‌ای از نشانه‌ها داشته باشید که برای نمایش هجاهایی با صدای آغازین مثلاً [b] یا [m] به کار روند، در حقیقت به موقعیتی نزدیک شده‌اید که در آن نشانه‌های مذکور می‌توانند برای نمایش انواع آوای مجزاً در یک زبان به کار روند. در واقع اساس خطّ الفبائی همین است.

خلاصه‌ی درس ششم

- گفتار و زبان با خط و نوشتار متفاوت است.
- گفتار و زبان ماهیت ذاتی و فیزیولوژیایی انسان است در حالی که خط و نوشتار ماهیتاً جنبه‌ی فرهنگی اجتماعی دارد.
- سابقه‌ی زبان و گفتار بسیار بیشتر از خط و نوشتار است.
- برای یادگیری خط و نوشتار به استعداد طبیعی خاصی مجهز نیستیم. ولی در مورد زبان چنین نیست.
- گفتار در زمان اتفاق می‌افتد، نوشتار در مکان.
- گفتار گذرا و ناپایدار است و نوشتار پایدار و ماندگار.
- گفتار دو طرفه است، نوشتار یک طرفه.
- به علت امکان تفکر، سنجش و تجدید نظر در نوشتار، نوشته سنجیده‌تر از گفتار است.
- آثار ادبی و میراث فرهنگی جوامع دارای خط از طریق نوشته، به آیندگان منتقل می‌شود.
- هر خطی سیر تکاملی ویژه‌ی خود را دارد که به خطّ الفبایی می‌رسد.

❁ پاسخ خودآزمایی‌های درس ششم

۱- زیرا در گذشته شکل گفتاری و نوشتاری این واژه‌ها مثل هم بوده است اما به مرور زمان شکل گفتاری آن‌ها از شکل نوشتاری فاصله گرفت و امروز به همان شکل گفتاری گذشته نوشته می‌شود بدون آن که تغییری در آن داده شود.

گفتاری :	گفتاری :	گفتاری :	گفتاری :
Xowā har	Xowā rdan	Xowā star	Xowā bidan
نوشتاری :	نوشتاری :	نوشتاری :	نوشتاری :
خواهر (خاهر)	خوردن (خُردن)	خواستار (خاستار)	خوایدن (خاییدن)

۲- در زبان‌هایی مثل انگلیسی و عربی نیز کلماتی وجود دارد که بین صورت گفتاری و نوشتاری آن‌ها تفاوت وجود دارد؛ مثال:

خورشید = (أَشْمَسُ) الشَّمْس
 صبح = (وَلْفَجْر) وَالْفَجْر
 (بَلْخَرَه) بِالْأَخْرَه
 سگ = (دَاغ) dog
 درس (لِسِن) lessen
 کارد = (نَايْف) knife
 این = (دِيس) this
 سگ = (دَاغ) dog
 درس (لِسِن) lessen

۳- تفاوت‌های اصلی زبان و گفتار با خط و نوشتار در چند مورد است:
 الف) زبان و گفتار را در خانه و پیش خود یاد می‌گیریم اما خط و نوشتار را در مدرسه و نزد معلم می‌آموزیم.

ب) زبان و گفتار ریشه در ذات و طبیعت انسان دارد حال آن که خط و نوشتار ذاتی و طبیعی انسان نیست و ریشه در اجتماع و فرهنگ او دارد.

پ) انسان همواره از نعمت زبان و گفتار برخوردار بوده است اما خط و نوشتار پدیده‌ای بسیار تازه است.

❖ خودآزمایی‌های نمونه

- ۱- ما برای..... زحمتی نمی‌کشیم و محتاج تمرین و تکرار نیستیم.
- ۲- ما برای..... زحمت می‌کشیم و از درس و کلاس کمک می‌گیریم.
- ۳- انسان همواره از نعمت..... برخوردار بوده است.
- ۴- زبان و گفتار ریشه در..... انسان دارد.
- ۵-..... پدیده‌ای بسیار تازه است.
- ۶- خط و نوشتار خاستگاه..... دارد.
- ۷- استعداد یادگیری زبان و گفتار..... است.

- ۸- هر انسان سالمی از عهده‌ی یادگیری..... بر می‌آید.
- ۹- انسان خط و نوشتار را برای..... زبان و گفتار به کار گرفته است.
- ۱۰- ما نخست زبان را به شکل..... در می‌آوریم.
- ۱۱- هر گونه خطا و اشتباه در..... اتفاق می‌افتد.
- ۱۲- همه‌ی افراد جامعه ناگزیرند نوشتار را در مدرسه یاد بگیرند. ص غ
- ۱۳- شکل نوشتار به مرور زمان از شکل گفتار فاصله می‌گیرد. ص غ
- ۱۴- ما به این دلیل خط و نوشتار را یاد می‌گیریم که به جای شکل گفتار به کار بریم. ص غ
- ۱۵- خط و نوشتار به شکل مستقیم با زبان پیوند می‌خورد. ص غ
- ۱۶- انسان زبان و گفتار را بنا به ضرورت‌های اجتماعی و فرهنگی به کار می‌برد. ص غ
- ۱۷- خط و نوشتار هیچ بخشی از بخش‌های اصلی زبان و گفتار را تشکیل نمی‌دهد. ص غ
- ۱۸- تفاوت‌های زبان و گفتار را بنویسید.
- ۱۹- تفاوت‌های گفتار و نوشتار را بنویسید.
- ۲۰- تفاوت زبان و خط را بنویسید.
- ۲۱- با مراجعه به فرهنگ لغات بررسی کنید آیا بین شکل گفتاری و نوشتاری کلمات خوار (خوابیدن، خوارزم) تفاوت وجود دارد؟
- ۲۲- ارزش خط و نوشتار در زندگی تا چه اندازه است؟
- ۲۳- چند نمونه از آثار خطی را که در دسترس دارید به کلاس بیاورید.
- ۲۴- امتیازات نوشتار نسبت به گفتار را شرح دهید.
- ۲۵- نقش کلمات رادر جملات زیر مشخص کنید :
- ما زبان و گفتار رادر خانه و پیش خود یاد می‌گیریم.
- سابقه‌ی زبان و گفتار به میلیون‌ها سال پیش باز می‌گردد.
- راز اصلی نیاز ما به آموختن خط و نوشتار این است.
- به مرور زمان، شکل نوشتار از شکل گفتار فاصله می‌گیرد.

املا

«بایدها» و «نبایدهای» املائی

اهداف کلی

- ۱- آشنایی با شیوه‌های فعال‌سازی دانش‌آموزان.
- ۲- هماهنگی و وحدت عمل در رعایت موازین املائی.

اهداف جزئی

- ۱- تقویت مهارت صحیح و سریع نوشتن دانش‌آموزان.
- ۲- آشنایی با انواع خط.
- ۳- گرایش مثبت دانش‌آموزان در به کارگیری خط تحریری.
- ۴- دقت نمودن به کلمه‌هایی که از نظر شکل ظاهری یکی هستند اما در نقطه فرق دارند.
- ۵- طرز کاربرد کلمه‌های دارای سه دندانه به صورت کشیده یا دندانه‌دار نوشتن.
- ۶- آشنایی با صحیح نوشتن شکل‌های هر حرف در جایگاه خود.
- ۷- طرز کاربرد نقطه در جایگاه لازم خود در واژه‌های پرنقطه.

منابع

- راهنمای درس املا و دستورالعمل تصحیح آن – دکتر حسین داوودی – انتشارات مدرسه
تهران ۱۳۷۶ – چاپ اول
– پژوهش‌نامه‌ی آموزشی (گزارش طرح ملی سنجش پیشرفت تحصیلی زبان فارسی) شماره‌ی
۲۵ تیر ماه ۷۹

روش‌های تدریس پیشنهادی

– روش تحلیل و مقایسه

– روش پرسش و پاسخ

نکات اساسی درس هفتم

- بیان جایگاه درس املا.
- چگونگی فعال کردن درس املا.
- بیان اهمیت گروه واژه‌ها در تقویت املا نویسی.
- توجه به کاربرد واژه‌های یک املائی و دو املائی.
- توضیح انواع خط و ضرورت کاربرد خط تحریری در املا.
- توضیح نشانه‌های خطی.

املا

□ درس املا، از مهم‌ترین و پابرجاترین درس‌هایی است که از آغاز در «شورای عالی آموزش و پرورش» آن هم برای تمام پایه‌ها و سطوح تحصیلی، تصویب شده است. بی‌شک این مصوبه بیانگر اهمیت املا و درست نویسی در زبان و ادبیات فارسی است و تأکید بر این که دانش‌آموزش باید در طول تحصیل، یادگیری و نوشتن ضابطه‌مند گردد. این درس جزئی از مجموعه‌ی درس زبان و ادبیات فارسی و عضوی از آن پیکره است. جامع‌نگری هدف‌دار در این مورد، ایجاب می‌کند که دانش‌آموز، همراه با کسب تجربه و مهارت در اشکال شنیداری – گفتاری، دیداری – نوشتاری زبان، به مهارت در درست نویسی و تطابق صحیح شکل مکتوب کلمات با ملفوظ آن‌ها و هم‌چنین زیبا و سریع نویسی دست یابد و معلم قادر خواهد بود، به موازات عرضه‌ی مطالب و محتوایی غنی و متنوع از زبان و ادبیات فارسی، دانش‌آموز را به درس املا فراخواند و ضعف و قوت‌هایش را در این درس باز شناسد و به او یادآوری کند.

درس املا با دست نوشت دانش‌آموز سر و کار دارد. نوشتن و نگارش دانش‌آموز به یاری این درس اصلاح و تقویت می‌شود و کمیّت و کیفیت می‌یابد.

□ می‌توان ساعت‌هایی از درس املا را به گفتن املا و تصحیح آن و ساعت‌هایی را به انجام فعالیت‌هایی که موجب تقویت درس املا و کسب خلاقیت و فعال کردن دانش‌آموزان شود، اختصاص داد. از دانش‌آموزان نیز انتظار می‌رود همان طوری که مهارت خوب گوش کردن، خوب گفتن و

خوب خواندن متن‌ها را کسب می‌کنند، مهارت صحیح نوشتن آن‌ها را نیز که هدف اساسی درس املا است به دست آورند.

توصیه می‌شود^۱ که تمرین املایی گروه واژه‌های موجود در درس‌های املایی کتاب حتماً مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا این گروه واژه‌ها جبران‌کننده‌ی متن‌هایی خواهند بود که لغاتشان عادی است و ارزش و اهمیت املایی ندارند.

معلم نیز در انتخاب گروه واژه‌های تمرینی خود، چنان عمل نماید که برای صحیح نوشتن آن‌ها گزینه‌های لفظی یا معنوی منظور شده باشد.

مانند: کار صواب - ثواب اخروی.

معلم باید در بیان کلمات املایی خود، گفتارش متأثر از لهجه‌ها و گویش‌های محلی نباشد و آن را به زبان فارسی معیار و رسمی تلفظ کند.

بنابر اقتضای خط فارسی، به ویژه در ترکیب‌ها، کلمات یا یک املایی هستند و یا دو املایی. «یک املایی» کلماتی هستند که تنها یک شکل چاپی یا کتابتی دارند و رعایت همان املائی واحد الزامی است و تخلف از آن غلط محسوب می‌شود. کلمات «دو املایی» آن‌هایی هستند که نوشتن هر کدامشان - چه تحریری و چه چاپی - با دو املا امکان‌پذیر است. و هیچ‌یک را نمی‌توان غلط دانست. دو املایی‌ها، عمدتاً به کلماتی گفته می‌شوند که یا دارای پیشوند و میانوند و پسوند هستند (اعم از صرفی و اشتقاقی) و یا از دو کلمه ترکیب یافته‌اند. سایر موارد دو املایی محدود است:

به زودی - بی‌سواد - بی‌غم - می‌روم - می‌رفت - هم کلاس - هم درس - جست و جو - گفت و گو - کوچک‌تر - کتاب‌ها - روان‌شناس - صلح جو - جهان‌دیده - بزرگ داشت.

● یک نوشته ممکن است به صورت خط نسخ یا شکسته یا تحریری باشد. خط تحریری اختصاص به دست نوشت دارد و باید املا را با این خط نوشت.

نمونه‌ی خط نسخ و چاپی: جز راست نباید گفت. هر راست نشاید گفت.

نمونه‌ی خط تحریری: جز راست نباید گفت. هر راست نشاید گفت.

● هنگام نوشتن کلمات پرنقطه، به گذاشتن نقطه در جایگاه خود باید دقت کرد.

مانند: پوشش - تیر و تبر - باز و بار - رحمت و زحمت - بناز و نیاز.

● دندان: س و ش دندان‌دارند و هنگام نوشتن آن‌ها، این مورد باید همه جا رعایت شود مگر در جاهایی که می‌توانیم آن‌ها را به شکل کشیده بنویسیم. شکل کشیده‌ی «س» و «ش» مخصوص خط

۱- راهنمای درس املا و دستورالعمل تصحیح آن - انتشارات مدرسه

تحریری است و همه جا نمی‌توان آن را به کار برد. «ص» و «ض» همیشه باید یک دندانه داشته باشد.
● شکل حرف: هر حرفی باید به شکل صحیح خود نوشته شود: مشکلات (مشکلات)

گفت گفت ای یا ای

● سرکج: نشانه‌ای که دو حرف «ک» و «گ» را از یک دیگر مشخص می‌کند، سرکج (یا سرکش) آن‌هاست و رعایت آن کاملاً ضروری است. (عسکر، عسگر) (بانک ملی، بانک ملی) (بانگ خروس، بانک خروس)

کسی که به خط تحریری می‌نویسد نباید مثلاً «ه» پایانی را به شکل «ه» بنویسد.
نوشتن هر یک از حرف‌های الفبا قاعده‌ای دارد؛ مثلاً حرف ط را نباید به صورت صا نوشت.

خلاصه‌ی درس هفتم

- درس املا از مهم‌ترین و پابرجاترین درس‌ها است.
- به یاری درس املا، نوشتن و نگارش دانش‌آموز اصلاح و تقویت می‌شود.
- گروه واژه‌ها جبران‌کننده‌ی متن‌هایی است که لغات عادی دارند و ارزش و اهمیت املائی ندارند.
- معلم باید در بیان کلمات املائی خود گفتارش متأثر از لهجه‌ها و گویش‌های محلی نباشد و آن را به زبان فارسی معیار و رسمی تلفظ کند.
- خط تحریری اختصاص به دست نوشت دارد و باید املا را با این خط نوشت.
- در نوشتن املا باید نشانه‌های خطی مورد توجه قرار گیرد.

* خودآزمایی‌های نمونه

- ۱- بهترین خط برای نوشتن خط است.
 - ۲- نوشتن هر یک از حرف‌های الفبا. دارد.
 - ۳- چند نوع خط در املائی دانش‌آموزان می‌توان ملاحظه کرد؟
 - ۴- املائی صحیح کلمات نادرست را بنویسید:
- جزئیات طرح - ائلا و ارتقاء - نور و ضیاع - سبحانه رحمت - بازل مشهدی - خنده و مدیح - قابلیت ارتجاع - اسرار و التماس - تالو آب - خصایل نیکو - استیصال و بیچارگی - بذله و لطیفه - انیس و مألوف - ماعده‌ی آسمانی - مظغ و جویدن - و قاهت و بی شرمی.

۵- کدام یک از گروه کلمات، از نظر املائی درست است؟

الف) القای بردگی

ب) برائت استهلال

پ) امارت و فرمانروایی

ت) لهن تعجب آمیز.

۶- با گروه کلمات زیر املا بنویسید.

لذا و بنابراین - لوازم عاریه - استدعای عاجزانه - ابا و امتناع - غزا و بیکار - صله‌ی

ارحام - روز برگزاری - هزیمت و شکست - جملات تأثیر گذار - خشم و غیظ